

توضیحاتی در قواعد لفظیه

حضرت نقطه اولی، حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



لوح رقم (41) امر و خلق - جلد 2

۴۱ - توضیحاتی در قواعد لفظیه

و نیز از حضرت نقطه در صحیفه العدل است قوله الاعلی: و اینکه در بعضی مقامات تبدیل کلمات و در بعضی بخلاف قواعد اهل سبحات جاری گشته لاجل این است که مردم یقین نمایند که صاحب این مقام بر سبیل تحصیل اخذ آیات و علوم نکرده بل بنور الله صدر آن منشرح بعلم الهیه شده و حکم تبدیل را بشأن بدیع و خلاف قواعد را بقاعده الهیه راجع نمایند چنانچه امثال اینکلمات در کتاب الله اکثر من ان یحصی نازل شده چنانچه کلمه ای که مقام آن تانیث است خداوند عالم ضمیر مذکر نازل فرموده فی قوله و کلمه منه اسمہ المسیح و در مقام صفت مؤنث احدی الکبر نازل فرموده فی قوله جل و علا انها لاحدی الکبر نذیرا للبشر ... و چنانچه نازل فرموده بخلاف قواعد کل اهل علم این کلمه را آن هذان لساحران .

و از آن حضرت در تفسیر سوره کوثر است قوله الاعلی: و کل ما رأیت من اياتی قد اقتری المفترون فیها و بعض منها لم یقدر الکاتبون ان یتنسخوا صور الواقع و لذا یقول الناس فیہ لحن و بعض یقول لیس فیها ربط فاعوذ بالله من عملهم و اقترائهم و کلماتی من الايات بغیر ذلک النهج العدل فانی اما برئ من المشرکین .

و از حضرت بهاء الله در لوحی است قوله الاعلی: بنام دوست بینام کتابت لدی الوجه حاضر آنچه مسطور مذکور آمد و شنیده شد انشاء الله همیشه ایام بذکر مالک انام مشغول باشید آنچه سؤال شده بود از آیه منزله در هیکل که بملوک خطاب شده صحیح همان است که نازل شده کلمه ترک نشده حرکت قلم اعلی در میادین الواح باطوار مختلفه مشاهده میشود در مقامی مطلب بایجاز نازل این بیان موسوم است بسهل و ممتنع در مقامی جمع بین مقامین لذا در سوره ملوک آیات مذکوره باختصار ذکر شده و این افصح است اذا قیل بای جرم



ORIGINAL

جسو قالوا انهم ارادوا ان يجددوا الدين که معنی آن اینست اگر گفته شود بچه جرم و عصیان نیز امکان را حبس نمودند گویند این قوم اراده نمودند که دین را تجدید نمایند از مصدر اعلی جواب نازل اگر قدیم را اختیار نموده اید و اوست پسندیده نزد شما چرا شرایع قبل را ترک نموده اید در اول این آیه قل مقدر است که چنین میشود قل لو كان القديم هو المختار الی آخر و چون از بیان رحمن معنی قل مفهوم میشود لذا ذکر نشد و این مقام ظهور کمال فصاحت است باری این آیه ترک نداشته و صحیح است و آنچه در آیه آخری مذکور داشتید قوله تعالی ان اطلع من افق الانقطاع بوده و اینکه از آیه منزله در لوح پاپا سؤال نمودید این عبارات تلویحات کلمات این است که ذکر شده در مقامی میفرماید قوله و اقول لكم ان کثیرین سیأتون من المشارق و المعارب و یتکتون علی ابراهیم و اسحق و یعقوب فی ملکوت السموات و اما بنو الملکوت فیطرحون الی الظلمة الخارجیة هناك و یکون البکاء و صریر الاسنان و در مقام دیگر مذکور انّ النور قد جاء الی العالم و احب الناس الظلمة اکثر من النور لان اعمالهم كانت شریره لان کل من يعمل السيئات سیفعل النور و لا یاتی الی النور لثلاث توج اعمالهم و اما من یفعل الحق فیقبل الی النور لکی تظهر اعمالها بالله معموله انتهى .

و از دو فقره مذکور تلویح بیان مالک اسماء در آیه منزله معلوم میشود بعضی از آیات در بعضی الواح راجع است بکتاب قبل و ما سطر فیها .

و لوحی دیگر خطاب بزین المقربین است قوله الاعلی الاعظم الاقدم کتابت بمنظر اکبر وارد و آنچه از آیات الهیه سؤال نموده بودید عبد حاضر لدی الوجه ارسال مینماید ان یا زین تعویق جواب ما سألته فی الآیات حفظ تغییر بوده چه که در اوائل ابداء در حین نزول ملاحظه قواعد قوم نمیشد و این ایام نظر بحکمت ملاحظه میشود لذا اگر لوحی از قبل تلقاء وجه قرائت شود ینزل فی بعض المقام بغیر ما نزل من قبل این نظر بظاهر عبارت است و فی الحقیقه آنچه نازل همان صحیح بوده و خواهد بود در ارض سر اراده چنان بود که قواعدی در علم الهیه نازل شود تا کل مطلع نظر باحزان وارده و اشغال متواتره و ابتلا های متباعد تأخیر افتاده و دیگر سبب اعظم آنکه هر مجهول کلمات مجعوله ترکیب نماید و ناس نظر بآن قواعد صحیح دانسته مع آنکه اگر از خود او سؤال شود عالم بحرفی نبوده چنانچه در یحی و اتباعش مشاهده مینمایند العلم فی قبضته یقلب کیف یشاء مثلا در بعض مقام آیه بر حسب قواعد ظاهر باید مرفوع و یا مجرور باشد منصوب نازل شده درین مقام یا کان مقدر است و یا امثال آن از حروف ناصبه و مواضع آن و اگر مقامی مجرور نازل شده و بر حسب ظاهر بین قوم دون آن مقرر است درین مقام حرف جر و یا مضاف که علت جر است محذوف و این قاعده را در کل جاری نمائید و همچنین در بعضی مواقع نظر بطراز آیات است لانه ان نذکر القافیه فی هذا المقام و همچنین نزد ائمه نحو فعل لازم در سه مقام بطراز متعدی ظاهر بالتکریر و الباء و الهمزه این در نزد قوم معتبر است و لکن در علم الهی بقرینه مقام فعل لازم رفع ارفع نازل و امثال آن در کتب سماویه از قبل هم بوده و این در مقام تاکید است لا بأس باری ایزین المقربین جمال مبین بین حزین مبتلا اگر آفرینش مطلع شود که صریر قلم اعلی در چه حالتی مرتفع است و لسان عظمت در چه بلائی ناطق کل لباس هستی را خلع نمایند و طراز نیستی طلب کنند هزار سنه او از ید ما

بین علمای اسلام نزاع و جدال بوده که آیا واضع الفاظ حق است و یا غیر او حال مع ظهور حق در منزل من عنده اعتراض نموده و مینمایند چنانچه که کریم کرمانی و همچنین علمای عصر اعتراضات لا یحصی در کلمات الهی نموده اند و شنیده اید اگر چه از قبل امثال اینطالب مذکور نازل ولکن المسک کلمات تکرریتضوع و اکثری از الواح در احیانی نازل که مجال رجوع بآن نشده آنچه از قلم عبد حاضر تلقاء وجه جاری شد همان باطراف منتشر لذا احتمال آنکه در بعضی مواضع ترک شده باشد و یا زیاده و کم می رود چه که احدی قادر نیست در حین تنزیل آنچه نازل میشود بتمامه تحریر نماید آنچه در این مقامات سؤال شود محبوب بوده و خواهد بود اگر چه نزد مسجون تنزیل جدید احب است از رجوع بما نزل من قبل و الرجوع الیه الاولی اسهل و مالک العلل ... از کلمات مکنونه ذکر نموده بودید بعضی از آن در یک لوح مرة واحده نازل ولکن در بعضی احیان فقرات دیگر نازل شد بعضی کل را جمع نموده اند و بعضی متفرق است اگر جمع شود احسن بوده عند الله ربک و رب العالمین .